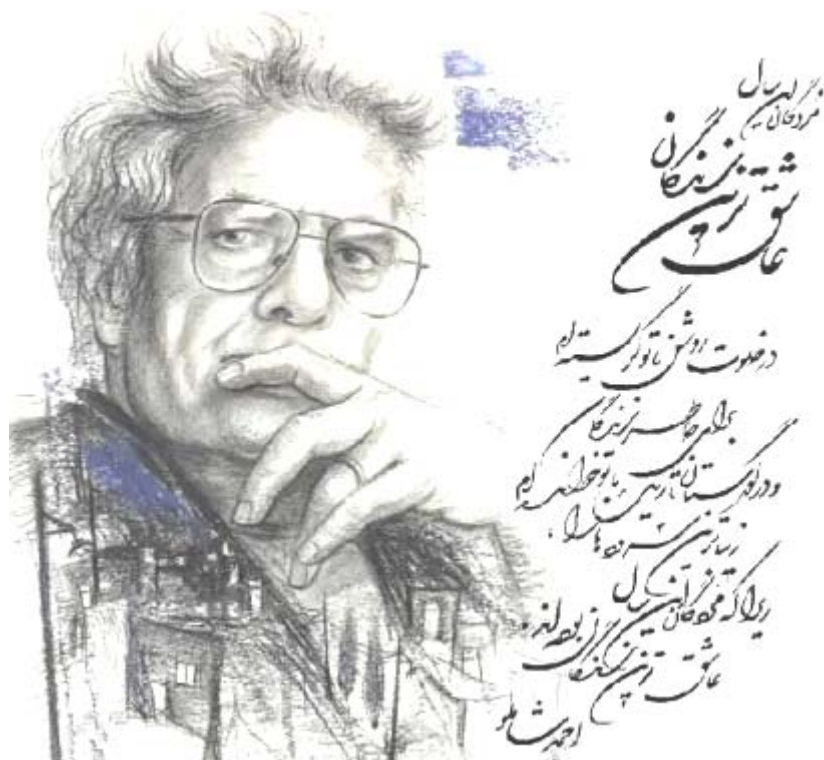


به یاد شاعر مردمی احمد شاملو در شانزدهمین سالگرد خاموشی اش!



من مرگ را سرودی کردم!

اینک موج سنگین گذر زمان است که در من می‌گذرد.
اینک موج سنگین گذر زمان است که چون جویار آهن در من می‌گذرد.
اینک موج سنگین گذر زمان است که چونان دریایی از فولاد و سنگ در من می‌گذرد.

در گذرگاه نسیم سرودی دیگرگونه آغاز کردم
در گذرگاه باران سرودی دیگرگونه آغاز کردم
در گذرگاه سایه سرودی دیگرگونه آغاز کردم.

نیلوفر و باران در تو بود
خنجر و فریادی در من،
فواره و رؤیا در تو بود
تالاب و سیاهی در من.

در گذرگاہت سرودی دیگرگونه آغاز کردم.

من برگ را سرودی کردم
سرسبزتر ز بیشه

من موج را سرودی کردم
پُر نیض‌تر ز انسان

من عشق را سرودی کردم
پُر طبل‌تر ز مرگ

سرسبزتر ز جنگل
من برگ را سرودی کردم

پُر تپش‌تر از دلِ دریا
من موج را سرودی کردم

پُر طبل‌تر از حیات
من مرگ را
سرودی کردم.

آذر ۱۳۴۰